

خلیج فارس

در آستانه قرن بیستم

○ مجتبی خلیفه

از این حیث مترجم در گزینش مقالات نهایت دقت را به خرج داده است.

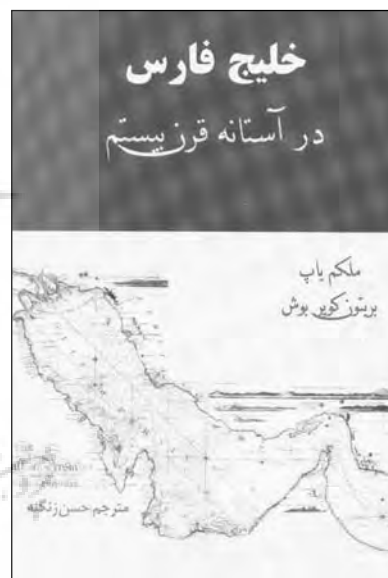
یاب در نخستین مقاله به بیان اهمیت خلیج فارس در قرون ۱۹ و ۲۰ م. به لحاظ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی پرداخته است. وی به نقش مردم، دولت‌های منطقه و قدرت‌های بین‌المللی اشاره نموده است. نویسنده معتقد است که از نقطه‌نظر اجتماعی، دین اسلام حلقه ارتباطی غالب را در خلیج فارس به وجود می‌آورد چون اکثریت قاطع مردم منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اما گاهی نیز اختلافات مذهبی موجبات شکاف را فراهم می‌آورد. نویسنده کوشیده است تا ضمن بیان اهمیت حیاتی آبراه خلیج فارس در ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، چالش‌های موجود بین قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به تصویر بکشد. بررسی نقش استراتژیک صنعت نفت در خاورمیانه منافع اقتصادی کلانی که در این رهگذر نصیب کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شود و گسترش اشکال جدید ارتباطات در منطقه خلیج فارس، از دیگر مباحث خواندنی مقاله است.

با نگرش به اینکه در واپسین سال‌های قرن ۱۹ حکومت سیدسعید در عمان و مسقط تضعیف گردید و شیخ‌نشین‌های کویت، بحرین و قطر با حمایت انگلستان قدرت یافتند؛ نویسنده در ادامه به بررسی این مسئله و اهمیت آن پرداخته است. ملکم یاب دایره قدرت را در منطقه خلیج فارس - در فاصله سالهایی که منجر به کاهش توان قدرت‌های محلی و منطقه‌ای و افزایش نفوذ دولت‌هایی چون انگلستان گردید، مورد بررسی قرار می‌دهد. پرداختن به خاندان‌های

خلیج فارس از جمله معروف‌ترین آبراه‌های بین‌المللی است که به‌ویژه در قرن بیستم تحولات بی‌شماری را باعث شده و تأثیرات شگرفی در سطح بین‌المللی بر جای گذاشته است. امروزه اهمیت خلیج فارس بر هیچ‌کس پوشیده نیست. از این حیث بیشترین توجه از سوی غربی‌ها به این منطقه شده و تحقیقات پرشماری در این باره انجام داده‌اند.

کتاب خلیج فارس در آستانه قرن بیستم مشتمل بر چهار مقاله علمی - تحلیلی درباره خلیج فارس می‌باشد که توسط ملکم یاب (Yapp Malcolm) و بریتون کوپربوش (Briton Copper) نگارش یافته است. مقالات برپایه اسناد و منابع و مأخذ معتبر تألیف شده است. مترجم محترم کتاب، هدف از ترجمه آن را ارائه اطلاعات لازم درباره مباحثی می‌داند که در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی قدرت‌های محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این آبراه با آن سر و کار داشته و در شکل‌گیری وقایع بعدی نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. عناوین مقالات به شرح زیر است:

- ۱ - خلیج فارس در قرون ۱۹ و ۲۰ م / ملکم یاب
 - ۲ - سیاست انگلستان در خلیج فارس / ملکم یاب
 - ۳ - منافع انگلستان، روسیه و آلمان در خلیج فارس / بریتون کوپربوش
 - ۴ - تجارت اسلحه در دریای پارس و بحر عمان / بریتون کوپربوش
- موضوع مقالات جنبه‌های مختلف و مهمی از تاریخ خلیج فارس در دو قرن اخیر را دربرمی‌گیرد و



○ خلیج فارس در آستانه قرن بیستم
○ نگارش: ملکم یاب، بریتون کوپربوش
○ ترجمه: حسن زنگنه
○ ناشر: نشر به‌دید، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۸۱، ۲۶۵ ص، ۱۵۰۰ تومان
شابک: ۹۶۴۶۹۹۵۶۵۹

حاکم در نقاط مختلف خلیج فارس همچون عمان، کویت، عراق، عربستان و ایران در ارتباط با خلیج فارس و چالش‌ها و ارتباطات آنها با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از مباحث مطروحه در مقاله نخست می‌باشد. نویسنده در پایان مقاله به تحولات بوجود آمده در منطقه خلیج فارس در پایان جنگ جهانی دوم اشاره می‌کند که طی آن نفوذ انگلستان کاهش یافته و به مرور روابط اقتصادی آمریکا با کشورهای همجوار خلیج فارس به منظور تأمین تسلیحات برای آنها افزایش می‌یابد.

ملکم یاپ در دومین مقاله خود «سیاست انگلستان در خلیج فارس» کوشیده است روابط سیاسی انگلستان و کشورهای حوزه خلیج فارس را از آغاز تا سال‌های آغازین دهه هفتاد میلادی به طرز فشرده، اما منسجم بررسی و تحلیل نماید. وی با نظمی دقیق و مثال‌زدنی، به تبیین حوادث تاریخی دو قرن اخیر خلیج فارس که منبعث از سیاست‌های دولت انگلستان بود پرداخته است. نویسنده مقاله تلاش نموده به خواننده این موضوع را آفاق کند که منافع هندوستان به تنهایی تعیین‌کننده سیاست خارجی انگلستان نبوده، بلکه علائق اروپایی انگلستان نیز در این راستا از اهمیت والایی برخوردار بوده است.

حضور مستمر انگلستان در خلیج فارس معلول چند عامل بود که از جمله می‌توان به موضوع دفاع از هند، مسئله نفت، ارتباطات و مسائل استراتژیک اشاره کرد که نویسنده در مقاله قبلی خود نیز متذکر شده بود.

ملکم یاپ در این مقاله علت اصلی خروج انگلستان از منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۶۷ م. را افزایش مخارج و هزینه‌ها و گرفتاری‌های مترتب بر این حضور دانسته اما از منطق نظامی و سرخوردگی‌های سیاسی آن دولت نیز غفلت نورزیده است. پاسخ به این پرسش که انگلستان تا چه اندازه در اجرای سیاست‌های نامشخص‌اش در فاصله سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۶۸ میلادی در منطقه خلیج فارس موفق بوده و پیگیری علل و عوامل روند کاهش قدرت انگلستان در این منطقه از مباحث دیگر این مقاله می‌باشد.

در مباحث مربوط به ایران، ارائه گزارش‌های مستند تاریخی در زمینه ارتباط شیخ خزعل با انگلیسی‌ها و حمایت اولیه آنها از او، و فدا کردن شیخ در قبال شکل‌گیری حکومت مرکزی مقتدر رضاشاه از مباحث گیرا و خواندنی این گفتار است. در پایان این مقاله نیز، ملکم یاپ همچون مقاله نخست، به جایگزینی ایالات متحده در حوزه خلیج فارس به جای انگلستان پس از جنگ جهانی دوم اشاره نموده و معتقد است که خروج انگلستان از شبه‌قاره هند در سیاست انگلستان در خلیج فارس در دوران بعد از جنگ تأثیر عمده‌ای بر

جای گذاشته است. وی در کنار آن موضوع هزینه و مخارج حضور انگلستان در خلیج فارس را نیز در تصمیم‌گیری جدید دخیل می‌داند.

«منافع انگلستان، روسیه و آلمان در خلیج فارس» در فاصله سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۰۵ م. نوشته بریتون کوپر بوش سومین مقاله کتاب می‌باشد. منافع آلمان‌ها در خلیج فارس و تقابل آن با منافع انگلستان در ابتدای قرن بیستم، توافق انگلستان و روسیه (قرارداد ۱۹۰۷ م) و موقعیت خلیج فارس در آن توافق، درگیری انگلیس و آلمان بر سر جزیره ابوموسی، خط کشتی‌رانی هامبورگ - آمریکا در خلیج فارس و تجارت انگلستان، ماجرای شیخ خزعل و موضع‌گیری‌های آلمان و انگلستان در آن مورد، از جمله موضوعات اصلی مقاله است. از جمله مباحث مهمی که در این مقاله به آن پرداخته شده، ورود نیروی جدیدی به معادلات سیاسی - تجاری خلیج فارس بنام آلمان است که پس از به قدرت رسیدن آلمان در اروپا صورت گرفت. این امر باعث رقابت شدید آلمان و انگلستان گردید لذا انگلستان هرچه بیشتر در پی فراهم آوردن شرایط تفاهم با روسیه برآمد.

نویسنده مقاله با بررسی‌های علمی - تحلیلی، به طرز شایسته و خواندنی چگونگی فراهم شدن زمینه‌های نزدیکی دو قدرت روسیه و انگلستان و رفع اختلافات آنها را بررسی نموده است. از دیدگاه بوش، هدف اصلی دولت انگلستان از انعقاد قرارداد دوستی با روسیه به دست آوردن متحدی علیه آلمان در خلیج فارس بوده است، گرچه این اتحاد از جانب دولتمردانی نظیر لرد کورزن اسفبار قلمداد می‌شد.

مقاله پایانی کتاب «تجارت اسلحه در دریای پارس و بحر عمان» که دومین مقاله کوپر بوش است. به دنبال تحولاتی که در نتیجه نزدیکی انگلستان، فرانسه و روسیه در اروپا به وجود آمد، همزمان با کناره‌گیری لرد کرزن از قدرت در هند، یکی از کشمکش‌های اصلی دو دولت انگلیس و فرانسه، اختلافاتی بود که این دو دولت بر سر مسئله تجارت اسلحه، در خلیج فارس داشتند.

همچنان که نویسنده در این مقاله ذکر می‌کند نخستین بار تجارت اسلحه در بندر بوشهر متمرکز بود. مراکز مهم دیگری نیز در خلیج فارس جهت تجارت اسلحه وجود داشت. بندر مسقط از آن جمله بود و از سال ۱۹۰۰ به بعد بازار عمده تجارت اسلحه در حوزه خلیج فارس محسوب می‌شد و در واقع بزرگترین مرکز تجارت اسلحه در خلیج فارس بود. انگلستان در خلیج فارس با تجارت اسلحه مخالف بود و برای این کار حتی وظیفه گشت‌زنی در آنجا را برعهده گرفته بود.

به نظر مؤلف، از نقطه نظر انگلیسی‌ها، عامل اصلی واردات اسلحه در حوزه خلیج فارس و نهایتاً

مرز هند، فرانسوی‌ها بودند که اوضاع این منطقه را بی‌ثبات و موجبات به خطر افتادن منافع انگلستان را در منطقه فراهم می‌کردند. از این حیث بیشترین سهم تجارت اسلحه در خلیج فارس برعهده فرانسه بود و مسقط محلی برای تخلیه اسلحه‌های قاچاقی بود که از اروپا به آنجا برده می‌شد و دو مرتبه از مسقط به دیگر نقاط خلیج حمل می‌شد.

به نوشته بوش، کنفرانس بروکسل نیز جهت تحدید تجارت اسلحه و تأمین منافع انگلیس برپا شد که چندان ثمربخش نبود. در کل، کوپر بوش در این مقاله با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی، موضوع تجارت اسلحه در خلیج فارس و نقش فرانسه و سلطان نشین عمان و دیگر شیوخ منطقه را در این امر به خوبی روشن نموده است. همچنین به نقش مؤثر سر پرسی کاکس در اختلافات به وجود آمده بر سر منافع بریتانیا با دیگر دول اروپایی در خلیج فارس اشاره کرده است. پیشنهاد کاکس طرح انبار گمرکی بود که بر طبق آن فیصل (شیخ عمان) می‌بایست با صدور بیانه‌ای، کلیه تسلیحات وارداتی را تحت نظارت دقیق در انبار گمرکی نگاهدارد و صادرات آن هم فقط به مقصدهای قانونی و تحت کنترل درآید.

در یک مرور کلی هر چهار مقاله کتاب با تلفیقی از منابع، کتب ارزشمند و اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا به نگارش درآمده‌اند و ترجمه این مقالات برای پژوهشگران علاقه‌مند به منطقه خلیج فارس مفید فایده می‌باشد. اما در ارتباط با ترجمه کتاب اشاره به یکی دو نکته ضروری می‌باشد. هر چهار مقاله از دو کتاب به نام‌های: "THE PERSIAN GULF STATE" نوشته ملکم یاپ و کتاب: "BRITAIN AND THE PERSIAN GULF, ۱۸۹۴-۱۹۱۴" نوشته بریتون کوپر بوش به فارسی ترجمه شده‌اند اما مترجم محترم کتاب ملاک برگزیدن دو فصل از هر کتاب را ذکر نکرده است. این در حالی است که کتاب بریتون کوپر بوش با وجود اینکه کتاب جدیدی نیست اما تحقیقی تحلیلی و ارزنده در ارتباط با خلیج فارس می‌باشد که ترجمه کامل آن به فارسی می‌توانست مفیدتر باشد زیرا به لحاظ زمانی (۱۸۹۴-۱۹۱۴ م)، دورانی سرنوشت‌ساز در تاریخ خلیج فارس را مورد بررسی قرار داده است.

مورد دیگر اینکه مترجم در ترجمه عناوین مقالات، واژه Persian gulf را در یک مقاله، «خلیج فارس» و در مقاله چهارم «دریای پارس» ترجمه نموده است. شایسته‌تر آن بود که روند یکسانی در ترجمه بکار برده می‌شد. اما به هر صورت مترجم به خوبی از عهده ترجمه مقالات برآمده و از این حیث کار ایشان شایسته تقدیر است.